یادداشت روز

امید آن‌که فقط غفلت باشد!

مسئله آموزش‌وپرورش در کشورهای مختلف یک رکن اساسی در مسیر ساخت جامعه و عنصری تعیین‌کننده در تحقق تربیت علمی و اخلاقی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. با توجه به ارزشمدار بودن جامعه ایرانی و وجود حساسیت‌های به‌مراتب بیشتر در موضوع تربیت صحیح دانش‌آموزان، در کنار اهمیت فوق‌العاده تقویت بنیه علمی جامعه، جایگاه نظام آموزش‌وپرورش و به تعبیری نظام تعلیم و تربیت در کشورمان به طور طبیعی در سطح و جایگاهی بالاتر از یک نظام مدرسه‌داری تک‌بعدی و تحصیل علمی صرف قرار می‌گیرد.

در سال‌های نخست انقلاب اسلامی، با همین رویکرد شاهد رشد و گسترش نهاد علوم تربیتی در کنار ساختار رسمی و تحصیلی مدارس بودیم که ثمرات فراوان آن غیرقابل انکار می‌باشد.

متأسفانه هرچه گذشت، مدارس در کشورمان بیشتر به سمت درس‌محوری و کم‌توجهی به امور تربیتی و پرورشی حرکت کردند. در این میان نمی‌توان از ضربه پرخسارتی که در دوران دولت اصلاحات به نظام تربیتی آموزش‌وپرورش وارد آمد و یا گسترش مدارس غیردولتی از دوران سازندگی به‌بعد و در دولت‌های مختلف که باعث شد آموزش‌وپرورش در نظر طیف گسترده‌ای از مؤسسان و سرمایه‌گذاران این مدارس به یک بستر تجاری و پول‌ساز تبدیل شود تا فضائی تربیتی و انسان‌ساز به راحتی گذشت.

همچنین نمی‌توان از لطمه‌ای که نحوه برگزاری آزمون ورودی دانشگاه‌ها با محوریت مافیای کنکور و گردش مالی گاه چند هزار میلیارد تومانی آن و چربش آموزش بر پرورش در دو سه دهه گذشته بر نظام تعلیم و تربیت و امور پرورشی مدارس وارد کرد سخنی نگفت.

همه اینها باعث شد تا در سال‌های اخیر همواره از سوی کارشناسان و دلسوزان آگاه به حوزه تعلیم و تربیت نسبت به کم‌توجهی قابل تأمل به امور تربیتی مدارس و همچنین مواردی همچون گسترش بی‌ضابطه مدارس دولتی و همچنین کم‌توجهی دولت‌ها و مجلس‌ها به اختصاص بودجه کافی به امور تربیتی مدارس هشدارهای جدی مطرح شود.

البته نباید فراموش کرد که وقتی سخن از امور تربیتی و پرورشی در مدارس می‌شود، در کنار نهاد رسمی مرتبط با این موضوع، نقش تک‌تک معلمان در همه رشته‌ها در کنار تدریس مباحث علمی و دروس مختلف در پرورش نسل متدین و ارزشمدار غیرقابل کتمان است. این همان نکته‌ای است که رهبر انقلاب سال‌ها قبل در جمع معلمان کرمانی به آن اشاره کردند و فرمودند: «یک معلم فیزیک، یک معلم ریاضی، یک معلم شیمی، یک معلم ادبیات فارسی، یک معلم تاریخ، گاهی در خلال صحبت، با یک کلمه بجا- حقیقتاً یک کلمه- می‌تواند تأثیری در روح کودک و نوجوان و جوان بگذارد که او را به معنای واقعی کلمه متدین و پایبند کند.» (۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۸۴)

این مسئله اهمیت جذب معلمان با دغدغه و اشراف تربیتی و ماهر در ارتباط‌گیری با دانش‌آموزان و البته توانمند از نظر علمی در همه رشته‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.

از سوی دیگر اهمیت تربیت نسل متدین، دین‌فهم و مقید با توجه به وجود انواع شبهات فکری و احاطه فضای مجازی (که سررشته آن عملاً در دست ما نیست) بر فکر و زندگی نوجوانان و جوانان، نیاز به ورود معلمان و مربیان توانمند و متخصص در حوزه دروس معارفی و امور تربیتی و آگاه به ویژگی‌های نسل جدید به مدارس را نیز بیش از هر زمانی الزام‌آور کرده است.

در روزهای گذشته ثبت‌نام جذب بیش از ۲۹ هزار نیرو در بخش‌های آموزگاری، دبیری و هنرآموز آغاز شده که درخصوص این آزمون ذکر چند نکته ضروری است.

نخست اینکه برخی داوطلبان که در آزمون‌های گذشته در رشته‌هایی مانند آموزگاری امکان شرکت در آزمون را داشته‌اند در آزمون پیش‌رو این امکان را از دست داده‌اند که مسئولان مربوطه باید پاسخگوی این مسئله باشند که چطور برخی رشته‌های تحصیلی با وجود مرتبط‌بودن از جدول رقابت حذف شده‌اند.

اما در نگاهی مهم‌تر که به موضوع این یادداشت نزدیک است، در اقدامی عجیب که باید مشخص شود آگاهانه و هدفمند بوده است یا قصوری غیرقابل توجیه، برخلاف سال‌های گذشته شاهد کنار گذاشته شدن فارغ‌التحصیلان حوزوی در سطوح مختلف از شرکت در آزمون برای رشته‌هایی همچون دبیری معارف اسلامی یا مربی امور تربیتی هستیم! حال آنکه مثلاً در رشته دبیری معارف که یک رشته کاملاً تخصصی است فارغ‌التحصیلان رشته‌ای مانند زبان و ادبیات عرب (با کمال احترام) امکان شرکت دارند اما فارغ‌التحصیلان حوزوی که سال‌ها در زمینه‌های مختلف مرتبط با شغل دبیری معارف آموزش‌های تخصصی پرحجم دیده‌اند امکان شرکت در این آزمون را ندارند! همچنین در رشته شغلی مربی امور تربیتی داوطلبان حوزوی سطوح مختلف امکان شرکت و جذب ندارند اما برخی رشته‌های تقریباً غیرمرتبط در لیست جذب قرار دارند.

در این شرایط باید این موضوع و بدسلیقگی را اتفاقی بدانیم؟

سخن ما این نیست که باید حتماً در رشته‌های بسیار پراهمیتی همچون دبیری معارف اسلامی یا مربی امور تربیتی که ارتباط مستقیم با تربیت نسل متدین و باورمند به ارزش‌ها دارند تنها طلاب و فارغ‌التحصیلان حوزوی جذب شوند، سخن این است که در فضائی منطقی و بدون سوگیری یا بدسلیقگی این عزیزان هم باید امکان رقابت داشته باشند.

مسئله دیگر تغییر درصد سهم نمره علمی در آزمون و سهم نمره ارزیابی و گزینش است که جای تأمل دارد. در آزمون پیش‌رو سهم نمره علمی ۷۰درصد و سهم ارزیابی توانمندی‌های شغلی و گزینش ۳۰درصد در نظر گرفته شده است در حالی که در آزمون سال گذشته در دولت شهید رئیسی سهم نمره علمی ۴۰ و سهم ارزیابی ۶۰درصد بود.

مسئولان فعلی آموزش‌وپرورش و معاون اجرائی رئیس‌جمهور که به عنوان مسئول گزینش در کشور هم منصوب شده است اما معتقدند که اصل بر نمره علمی است و ارزیابی و گزینش باعث اعمال سلیقه می‌شود. البته این بزرگواران با همین تفکر ۷ هزار نفر از داوطلبان آزمون سال گذشته که موفق به کسب امتیاز نهائی لازم در آزمون و مصاحبه نشده بودند را در یک فرآیند جدید به عنوان معلم جذب کردند بدون اینکه پاسخ دهند در بازگشت این تعداد قابل توجه از افرادی که در بررسی سال گذشته جذب نشده بودند (حتی اگر بپذیریم تعدادی به اشتباه مردود شده بودند)، نوع دیگری از اعمال سلیقه رخ نداده است؟

این نوع پذیرش و کمرنگ کردن سهم ارزیابی و توانمندی‌های اخلاقی و اعتقادی در حالی است که رهبر انقلاب چندی پیش در دیدار با معلمان بر اهمیت مسئله گزینش در فرآیند جذب معلمان تأکید ویژه داشتند.

ایشان در این زمینه درخصوص جذب در دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلم که البته قابل تعمیم به فرآیند جذب معلم از طریق آزمون هم می‌باشد فرمودند: «زمان شهید رئیسی(رضوان‌الله تعالی‌علیه) برای گزینش، محدودیّت‌ها و ضوابطی تعیین شد؛ نگذارید این ضوابط ضعیف بشود. کیفیّت کار در این دانشگاه (فرهنگیان) باید جوری باشد که ساخت «معلّم تراز و مورد نیاز» در آن ممکن باشد و تحقّق پیدا کند؛ لذا خیلی اهمّیّت دارد. این دانشگاه باید محلّ رفت‌وآمد برترین اساتید علمی و ایمانی و اخلاقی و رفتاری باشد؛ [باید] شخصیّت‌های برجسته علمی، شخصیّت‌های برجسته اخلاقی و فکری و فرهنگی در این دانشگاه رفت‌وآمد داشته باشند؛ این دانشگاه جای بسیار مهمّی است.» (۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴)

حال مسئولان محترم دخیل در برگزاری آزمون پیش‌رو باید پاسخ دهند کمرنگ کردن سهم ارزیابی و گزینش در جذب معلم و کسانی که نقش ویژه در ساخت نسل آینده کشور را دارند و کنار گذاشتن فارغ‌التحصیلان حوزوی از رقابت در آزمون رشته‌هایی که در آن متخصص هستند و تحصیلات مرتبط دارند در راستای عمل به رهنمودهای رهبری است یا براساس همان اعمال سلیقه ایست که خود در مذمت آن سخن می‌گویند؟!

عباس شمسعلی

رئیس سازمان اطلاعات سپاه:

نفوذ در ساختارهای رژیم صهیونیستی یک شاهکار اطلاعاتی است

رئیس سازمان اطلاعات سپاه در پیامی، ضربه سهمگین وزارت اطلاعات به رژیم صهیونیستی را تبریک و آن را یک شاهکار اطلاعاتی خواند.

در پی موفقیت سربازان گمنام امام زمان در وزارت اطلاعات و ضربه سنگین و استثنایی به رژیم صهیونیستی، سردار کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه در پیامی، این موفقیت را به وزیر اطلاعات و مجاهدان گمنام این مجموعه تبریک گفت.

متن پیام سردار محمد کاظمی بدین شرح است:

برادر گرامی، حجت‌الاسلام والمسلمین سید اسماعیل خطیب
وزیر محترم اطلاعات
سلام علیکم

خداوند بزرگ را شاکریم که همرزمان دلاورمان در وزارت اطلاعات، زخم غیرقابل ترمیم دیگری را بر پیکره منحوس رژیم صهیونی وارد آوردند که دشمن زبون و ضعیف را حتی یارای پاسخ یا تکذیب نیست.

مجاهدت سربازان گمنام امام زمان(عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) در آن نهاد انقلابی با دستیابی به اطلاعات حساس و حیاتی رژیم صهیونیستی که تحت حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عظیم آمریکا قرار دارد؛ نه‌تنها اقتدار مصنوعی این رژیم منحوس را فروریخت، که کارآمدی شیطان بزرگ به عنوان حامی تام آن رژیم کودک‌کش و حافظ منافع و امنیت آنها را به چالش کشید.

از سوی دیگر این عملیات ظریف اطلاعاتی، توانمندی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی، وارد ساختن ضربه به دشمنان قسم‌خورده ایران و تأمین امنیت مردم عزیزمان به منصه ظهور رساند و سند دیگری بر ضعف و زبونی نخست‌وزیر جنایتکار رژیم سفاک صهیونیستی شد.

بی‌شک خبرگان اطلاعاتی دنیا معترفند که نفوذ در ساختارهای اطلاعاتی رژیم غاصب در جغرافیای بسیار محدود، سراسر امنیتی و مجهز به تجهیزات گوناگون حفاظتی آن با سردمدارانی که بودجه‌های نامحدود هزینه می‌کنند تا امنیتشان را غیرقابل خدشه نشان دهند؛ قطعاً یک شاهکار اطلاعاتی است.

اینجانب و همکاران شما در جامعه اطلاعاتی سپاه، ضمن تحسین، قدردانی و تبریک به جنابعالی و همکاران عزیزتان در مجموعه هوشیار و مجاهد وزارت اطلاعات، توفیقات روزافزون در صیانت از کیان جمهوری اسلامی ایران را در ظل توجهات حضرت ولی‌عصر(عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) و رهبری‌های داهیانه حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) مسئلت داریم.

برتری اطلاعاتی ایران و سردرگمی ساختار امنیتی اسرائیل

از ابتدای طوفان الاقصی، حملات سایبری و اطلاعاتی گسترده‌ای به رژیم غاصب صهیونیستی صورت گرفت. ادعای رژیم صهیونیستی در حفاظت اطلاعات و امنیت اطلاعات پس از عملیات اخیر وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران به طور کلی برهم زد.

عملیات اطلاعاتی دقیق، مؤثر و غافلگیرکننده جمهوری اسلامی ایران چنان ضربه‌ای به ساختار امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل وارد کرده است که نه‌تنها افکار عمومی در تل‌آویو را در بهت و حیرت فرو برده، بلکه مقامات ارشد نظامی و اطلاعاتی این رژیم را نیز به شکلی کم‌سابقه در موضع تدافعی قرار داده است.

این اقدام، شاید نقطه عطف شروع این موج از تحرکات و نفوذ اطلاعاتی در سطوح حساس نظامی یا ترورهای معکوس در خاک سرزمین‌های اشغالی باشد. مواردی که آشکارا نشان می‌دهد ایران نه‌تنها در موضع دفاعی نیست، بلکه در حال هدایت بازی در عرصه‌ای است که اسرائیل سال‌ها ادعای تسلط انحصاری بر آن را داشت.

عرق سرد بر پیشانی مقامات اسرائیل

در واکنش به عملیات‌های اخیر ایران، دستگاه اطلاعاتی اسرائیل (موساد و شین‌بت) رفتاری غیرمعمول اتخاذ کرده است؛ سکوت. عدم صدور بیانیه‌ای روشن، لغزش در روایت‌های رسمی رسانه‌های اسرائیلی و ناهماهنگی آشکار میان مقامات امنیتی گواه این است که نه‌تنها برنامه‌ریزی دقیق ایران آنها را غافلگیر کرده، بلکه همچنان از حجم استخراج اطلاعات راهبردی و حساس خود ناآگاه بوده و در شوک هستند.

کارشناسان معتقدند که موساد به‌طور سنتی بر اصل عملیات پیش‌دستانه و مهار تهدید در مبدأ تکیه دارد، اما این‌بار، با اطلاعات دقیق و پیچیده ایران مواجه شده که نه‌تنها منبع آن ناشناس است، بلکه مسیر و هدفش نیز تا لحظه اجرا قابل ردیابی نیست.

دلایل و ابعاد برتری اطلاعاتی ایران

یکی از دلایل برتری ایران در عملیات اطلاعاتی علیه اسرائیل، شبکه‌های انسانی گسترده و بومی‌شده است. برخلاف تصورات، ایران طی سال‌های اخیر موفق به ایجاد شبکه‌های انسانی در داخل فلسطین اشغالی و حتی درون ساختارهای اسرائیلی شده است. این شبکه‌ها، با تکیه بر انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک، اطلاعات سطح بالایی را بدون نیاز به ابزارهای پرریسک دیجیتال منتقل می‌کنند.

همچنین از دیگر عوامل می‌توان به توان سایبری رو به رشد کشور اشاره کرد. گروه‌های سایبری توانسته‌اند نه‌تنها سامانه‌های امنیتی اسرائیل را مختل کنند، بلکه داده‌هایی با درجه طبقه‌بندی بالا را به‌دست آورند و حتی بخشی از آنها را به‌صورت هدفمند افشا کنند. اقدامی که به‌خوبی کارکرد بازدارندگی و روانی آن را می‌توان در فضای اجتماعی اسرائیل مشاهده کرد.

دست برتر ایران در نبرد اطلاعاتی

میدان تقابل اطلاعاتی ایران و رژیم صهیونیستی وارد مرحله‌ای جدید شده است. اگر تا دیروز این اسرائیل بود که مدعی عملیات‌های پیچیده در خاک کشورهای دیگر بود، امروز ایران نشان داد که نه‌تنها امنیت اطلاعات اسرائیل پوشالی است بلکه ابتکار عمل را نیز در دست گرفته است. ایران با این عملیات نه فقط به اطلاعات حساس دست یافت، بلکه یک پیام راهبردی به دشمنان خود ارسال کرد: در میدان اطلاعات، تهران نه‌تنها بازیگر است، بلکه طراح صحنه نیز شده است.

گفت و شنود

چی بخوره؟!

گفت: جارو کردن میلیونی اطلاعات سرّی رژیم صهیونیستی توسط نیروهای وزارت اطلاعات کشورمان، بدجوری صهیونیست‌های کودک‌کش را به وحشت انداخته است.

گفتم: درباره سیستم اطلاعاتی خودشان چه قُمپزی در می‌کردند!

گفت: شورای عالی امنیت ملی اعلام کرده که تمامی اطلاعات نظامی و هسته‌ای و... رژیم صهیونیستی روی میز فرماندهان نظامی ایران است و می‌توانیم تمام مراکز هسته‌ای پنهان رژیم را نابود کنیم.

گفتم: مشکل صهیونیست‌ها خیلی بیشتر از این است. نتانیاهو در بستر مرگ است. اختلافات داخلی کودک‌کش‌ها به اوج رسیده است، آمریکا که اصلی‌ترین حامی آنهاست با جنگ داخلی درگیر است و...

گفت: رسانه‌های صهیونیستی هم به فاجعه‌ای که با آن روبه‌رو شده‌اند اعتراف دارند ولی هنوز برخی از مقامات رژیم درباره توان صهیونیست‌ها قُمپز در می‌کنند!

گفتم: همراه مریض بعد از معاینه دکتر از او پرسید؛ آقای دکتر مریض ما پرهیز غذایی ندارد؟ دکتر گفت؛ نه، از هر غذایی هرچه دلش می‌خواهد بخورد! فقط «فلان» زیادی نخورد!

کمالوندی: اگر قطعنامه علیه ایران تصویب شود از طریق اقدامات فنی و نوع همکاری با آژانس واکنش نشان می‌دهیم

سخنگوی سازمان انرژی اتمی گفت: ایران در قطعنامه‌های پیشین هم هشدار داد اما توجه نکردند و نتیجه این بود که تولید غنای ۶۰ درصد را ۷ برابر کردیم، ۲۰ زنجیره راه‌اندازی کردیم، ماشین‌های پیشرفته نسل سیزدهم را نصب کردیم. اکنون هم لیستی از موضوعات آماده کرده‌ایم. یک بخش از اقدامات، اقدامات فنی خواهد بود، و بخش دیگر، نوع همکاری ما با آژانس.

بهروز کمالوندی، معاون و سخنگوی سازمان انرژی اتمی در آستانه برگزاری نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با حضور در برنامه «گفت‌وگوی ویژه خبری» درباره واکنش ایران به قطعنامه شورای حکام گفت: پیش از پرداختن به واکنش ایران باید به یک نکته مهم دیگر درباره تناقضات متن پیش‌نویس قطعنامه اشاره شود که پیش از این صحبت از چهار مکان ادعایی بود اما در قطعنامه صحبت از دو مکان می‌شود که این نشان‌دهنده وجود تناقضات است و دلیل آن‌هم این است که متن با عجله تهیه شده و در برخی موارد هماهنگی لازم میان اجزای آن وجود ندارد.

وی با اشاره به اینکه روند فعلی برای تصویب قطعنامه در شورای حکام مانند روند پیشین است، بیان داشت: در دور قبل هم در حالی که ما گفته بودیم برای همکاری بیشتر آماده‌ایم و حتی خود مدیرکل هم مطرح کرده بود، اما باز هم به سمت صدور قطعنامه رفتند. الان هم نظر ایران این است که چون آن‌ها دنبال انجام استفاده از مکانیسم ماشه در ماه‌های آینده هستند، این قطعنامه می‌تواند ابزار فشاری در دست کشورهای اروپایی قرار گیرد تا از آن در معامله با آمریکا هم استفاده کرده و اعلام کنند ما چنین ابزاری در اختیار داریم که شما ندارید. یعنی قطعنامه را در شورای حکام تصویب می‌کنند تا از آن به‌عنوان ابزاری برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه استفاده کنند.

ایران در قطعنامه‌های پیشین هم هشدار داد اما توجه نکردند و نتیجه این بود که تولید غنای ۶۰ درصد را ۷ برابر کردیم، ۲۰ زنجیره راه‌اندازی کردیم، ماشین‌های پیشرفته نسل سیزدهم را نصب کردیم. اکنون هم لیستی از موضوعات آماده کرده‌ایم. یک بخش از اقدامات، اقدامات فنی خواهد بود، و بخش دیگر، نوع همکاری ما با آژانس. قطعاً آژانس نباید انتظار داشته باشد که همکاری گسترده و صمیمانه‌ای که جمهوری اسلامی ایران تاکنون داشته است، ادامه یابد. کمالوندی با اشاره به اینکه ممکن است تصویب قطعنامه با هدف تایید «عدم همکاری» ایران باشد، اظهار داشت: حتی اگر این‌طور باشد، معنای آن این نیست که مکانیسم ماشه می‌تواند فعال شود، این مکانیسم زمانی اجرا می‌شود که ایران تعهدات خود را انجام نداده باشد. ما همه تعهدات خود را انجام داده‌ایم. در ابتدا ۱۵ گزارش مثبت داشتیم، بعد از آن بیش از یک سال گزارش ثبت کردیم و سپس بخش‌هایی را که به حالت تعلیق درآمد، اعلام کردیم. تعهدات ما بازگشت‌پذیر هستند مادامی که طرف مقابل به تعهداتش عمل نکند. بنابراین، اگر قطعنامه صادر شود، این دلیلی بر نقض تعهدات از سوی ایران نیست که بتوان از مکانیسم ماشه استفاده کرد. این لزوماً ابزار قابل استنادی برای اسنپ‌بک نیست. سخنگوی سازمان انرژی اتمی با اشاره به اینکه قطعنامه‌های پیاپی و افزایش فشارها در واقع نوعی زمینه‌سازی و فضاسازی برای سناریوهای بعدی است، گفت: متأسفانه ترکیب شورای امنیت به گونه‌ای نیست که بتوان خیلی امیدوار بود این کشورها به مسائل حقوقی توجه کنند و بپرسند که دقیقاً کدام تعهد توسط ایران نقض شده است. ما اگر تعهدی را انجام نداده‌ایم، به دلیل عدم پایبندی آنها بوده است که ما هم اقدامات‌مان را تعلیق کرده‌ایم. مادامی که آن‌ها به تعهداتشان بازگردند، ما هم به وضعیت قبل بازمی‌گردیم. به گزارش مهر، وی خاطرنشان کرد: صرف صدور یک قطعنامه، از نظر حقوقی نمی‌تواند موجب فعال‌سازی مکانیسم ماشه شود اما رسیدگی در شورای امنیت مبتنی بر مسائل حقوقی نیست، بلکه سیاسی است.

نمایندگان مجلس با رهبر انقلاب دیدار می‌کنند

نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه با حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای دیدار می‌کنند.

به گزارش مهر، حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی، سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه با حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار می‌کنند.

خبر ویژه

مقام سابق موساد: روش ایران در استخدام جاسوسان وحشت‌انگیز است

رئیس پیشین واحد مبارزه با تروریسم موساد گفت: متأسفانه، روشی که ایران برای استخدام جاسوسان در اسرائیل به‌کار گرفته، به شکل وحشت‌انگیزی جواب می‌دهد.

روزنامه انگلیسی تلگراف با طرح این سؤال که «ایران چگونه به اسناد اسرائیل دست یافت؟»، نوشت: تلویزیون ایران ادعا کرده است که هزاران سند محرمانه هسته‌ای و دفاعی اسرائیل توسط ایران به دست آمده است. بنابر گزارش صداوسیمای ایران، «دستگاه اطلاعاتی به انبوهی از اطلاعات و اسناد راهبردی و حساس رژیم صهیونیستی، من‌جمله هزاران سند مربوط به پروژه‌ها و تأسیسات اتمی آن رژیم دست یافته است.» این اسناد شامل سندهای مکتوب، تصاویر و ویدئوهایی می‌شود که «چندی پیش» به دست آمده است.

رونن سولومون، تحلیلگر اطلاعاتی اسرائیلی می‌گوید: «من باور ندارم که این اطلاعات جدید توسط اسرائیلی‌ها به سرقت رفته باشد، فکر کنم آنها را به وسیله هک کردن و احتمالاً توسط گروه‌هایی مانند گروه هکری گمنام برای عدالت (Anonymous for Justice) به دست آمده است.»

سولومون می‌گوید که احتمالاً این عملیات سال گذشته انجام شده است. سال گذشته گزارشی از سوی شرکت مایکروسافت تأکید می‌کرد که اسرائیل به اصلی‌ترین هدف حملات سایبری تحت حمایت دولت توسط ایران تبدیل شده است و جایگاه قبلی آمریکا را به عنوان هدف اصلی گرفته است. اسرائیل هنوز موضع‌گیری نکرده است. سولومون می‌گوید: «ما نمی‌دانیم محتوای این اسناد علمی-پژوهشی است یا عملیاتی یا شاید می‌تواند جزئیات یک زنجیره تأمین باشد.»

اخیراً ده‌ها اسرائیلی به ظن جاسوسی برای ایران بازداشت شده‌اند. این بازداشت‌ها همزمان با موج عملیات‌های بی‌سابقه ایران برای جمع‌آوری اطلاعات و ترور مقام‌های سیاسی و نظامی اسرائیل اتفاق افتاده است.

ماه گذشته دو اسرائیلی به ظن جاسوسی برای ایران در شهر ایسراییل کاتص، وزیر دفاع اسرائیل بازداشت شدند. کاتص در این خصوص گفته بود که باور دارد این افراد بخشی از «نقشه ایران برای آسیب رساندن به من به عنوان وزیر دفاع کشور اسرائیل» بودند.

تأسیساتی مانند اتاق‌های فرماندهی عملیات سامانه‌های دفاع هوائی گنبد آهنین و تأسیسات هسته‌ای پنهانی در دیمونا، اصلی‌ترین اهداف عملیات مخفیانه ایران هستند.

اودد ایلام، رئیس پیشین واحد مبارزه با تروریسم موساد گفته است که ایران از روش‌های سنتی کند و روش‌مند که افرادی درون سیستم برای طولانی‌مدت استخدام می‌شوند، پرهیز کرده است. ایران برعکس به سمت کارزارهای تهاجمی وسیع در شبکه‌های اجتماعی رفته که در آن با هزاران اسرائیلی تماس گرفته می‌شود تا یکی از آنها وا بدهد.

اودد ایلام به تلگراف می‌گوید: «پیام‌هایی مانند آیا می‌خواهید ساده پول دربیاورید؟ این روزها در فضای دیجیتال زیاد دیده می‌شود. بدون هیچ غربالگری یا ارزیابی پیشینه فقط از طریق پیام‌رسان تلگرام یا یک ایمیل پیشنهاد پول برای یک کار ساده، مثل تعقیب یک مقام یا یک عکس از یک پایگاه می‌دهند.»

به گفته او: «این روش ایران برای بازاریابی دیجیتال جاسوسی و خرابکاری است: هدف‌گیری جمعی، بدون هیچ فیلتری و مانند هر کارزار بازاریابی دیگری فقط کافی است کسری از جمعیت هدف پاسخ بدهند تا کارزار با موفقیت مواجه شود. برای تهران حتی یک درصد پاسخ از میان هزار پیام هم ارزشمند است. این اقدام به شکل وحشت‌آوری یک رویکرد منطقی است، حجم اقدامات نهایتاً نتیجه‌ای را که می‌خواهند برای آنها به ارمغان می‌آورد و متأسفانه، این روش جواب می‌دهد.»

موتی مامان، شهروند ۷۱ ساله اسرائیلی در ماه آوریل به دلیل ارتباط با دستگاه‌های اطلاعاتی ایران و دو سفر به ایران، به ۱۰ سال حبس محکوم شد.

۴۷۳ تحریم جدید، ابطال ادعای غرب‌گرایان درباره امکان تعامل با آمریکا

برخلاف ادعاهای جریان غرب‌گرا مبنی بر امکان تعامل با آمریکا غرب، تحریم‌ها در یک سال گذشته افزایش چشمگیری یافته و فارغ از اینکه چه کسی در انتخابات پیروز می‌شود، بنای طرف مقابل بر تشدید تحریم‌ها و فشارهاست.

در این زمینه، روزنامه عصر ایرانیان با اشاره به ۴۷۳ تحریم جدید نوشت: نزدیک به یک سال از پیروزی آقای پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری ایران گذشت. یکی از پروپاگاندهای جریان‌های سیاسی- رسانه‌ای حامی وی این بود که با پیروزی او، روابط خارجی بهبود پیدا می‌کند و سایه تحریم و جنگ از کشور رفع خواهد شد. افرادی مانند ظریف از جمله کسانی بودند که در ایام انتخابات این پروپاگاندا را پیش می‌بردند. اکنون پس از یک سال این ادعا قابل ارزیابی است.

در پرونده هسته‌ای مسیر صدور قطعنامه آژانس علیه ایران کماکان فعال است. در اول آذر سال گذشته شورای حکام اولین قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران در دولت پزشکیان را صادر کرد. این احتمال که دومین قطعنامه نیز در روزهای آینده صادر شود، زیاد است.

در موضوع تحریم از زمان انتخاب آقای پزشکیان تاکنون در حدود ۳۰ مرحله تحریم از سوی دولت آمریکا علیه ایران صورت گرفته است. هم دولت بایدن در چند ماه پایانی خود علیه ایران تحریم اعمال کرد و هم ترامپ از ابتدای استقرار تاکنون تحریم اعمال کرده است.

امضای یادداشت امنیت ملی توسط ترامپ حرکت مهم او برای انسجام‌بخشی در دولتش برای اعمال تحریم هماهنگ علیه ایران بود. به طور خاص ۱۷ مورد آن در دوره زمانی شروع مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در فروردین امسال تا الان بوده است.

براساس رصد کانال دیده‌بان تحریم، از ابتدای انتخاب دکتر پزشکیان تا الان ۴۷۳ فرد، نهاد و کشتی توسط دولت آمریکا تحریم شده است.

به عبارت دیگر از زمان پیروزی دکتر پزشکیان در ۱۵ تیر ۱۴۰۳، روزی ۱.۴ تحریم علیه ایران اعمال شده است. این در حالی است که آقای پزشکیان هم در شعارهای انتخاباتی خود و هم در دولت، شعار مذاکره و حل مشکل تحریم از مسیر مذاکره را داده است.

از این میزان ۱۶۵ تحریم مربوط به زمان آغاز مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا است. متوسط روزی ۲.۶ تحریم علیه ایران اعمال شده است. در زمینه حقوق بشر هم ما شاهد دو قطعنامه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل بودیم و یک قطعنامه نیز از سوی شورای حقوق بشر صادر شده است. این قطعنامه‌ها سیاسی و در راستای تحریک افکار عمومی علیه ایران صادر شده است. دیپلماسی دولت نتوانست مانع صدور آنها شود. در دوره یک سال گذشته ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران توسط رژیم صهیونیستی صورت گرفت و همچنین برای اولین‌بار ایران از سوی رژیم صهیونیستی به صورت رسمی و آشکارا مورد حمله نظامی قرار گرفت. فهرست کردن همین موارد در کنار هم نشان می‌دهد که ادعاهای جریان غرب‌گرا که در ایام انتخابات مطرح کرده و تلاش کرده تصویری ناجی از خود برای مردم ترسیم کند، پوچ و به دور از واقعیت بوده است.

اعتراف دیرهنگام ظریف به فریب خوردن درباره وعده اینستکس

محمدجواد ظریف از بانیان خسارت‌های برجام می‌گوید اشتباه می‌کردیم که از اروپا توقع داشتیم اینستکس راه بیندازد.

بسته مالی اینستکس عملیات فریبی بود که تروئیکای اروپایی پس از خروج رسمی آمریکا و بازگشت تحریم‌ها ترتیب دادند تا ایران را به شکل یکطرفه متعهد به تعهدات برجامی‌اش نگاه دارند و این در حالی است که همان طرف اروپایی هم حاضر به انجام تعهداتش نبود! اروپایی‌ها به جای اینکه پس از خروج آمریکا به لغو تحریم‌ها متعهد باشند، وعده‌هایی مانند راه‌اندازی کانال مالی اس‌پی‌وی و سپس اینستکس را پیش کشیدند و به مدت بیش از دو سال و نیم سر کار گذاشتند. طبق وعده اس‌پی‌وی، اروپا متعهد می‌شد از ایران نفت بخرد و در ازای آن غذا و دارو به ایران بفروشد اما این وعده عملی نشد. اروپا سپس وعده داد با راه‌اندازی کانال اینستکس، بتواند پول نفت فروخته‌شده ایران به طرف ثالث را دریافت کند و در مقابل آن غذا و دارو به ایران بفروشد که همین وعده مبتذل و موهن هم عملی نشد و دولت روحانی تا میانه‌های سال ۱۳۹۹ از سوی تروئیکای اروپایی سر کار گذاشته شده بود تا این که مجلس، قانون اقدام متقابل را تصویب کرد.

پنج سال پس از آن تحولات، ظریف می‌گوید توقع از اروپا اشتباه بود!

او در نشست مطالعات اروپا و آمریکا گفته است: برخی شروع جهان جدید را به عنوان پیروزی غرب و لیبرال دموکراسی تصور کردند اما این تصور پیش‌داورانه است و این فروپاشی شکست شرق بود نه پیروزی غرب. غرب به اشتباه این را پیروزی تلقی کرد و به ویژه آمریکا با استناد به این پیروزی، در نهایت در سیاست نظامی‌گری شکست خورد. این به معنای این نیست که آمریکا قدرت بزرگی نیست اما قدرت آمریکا به عنوان هژمون بین‌الملل شکست خورده است.

ظریف در ادامه گفت: تا سال ۲۰۰۵، که رئیس‌جمهور وقت ایران آقای دکتر احمدی‌نژاد آن مسیر را شروع کرد، اروپایی‌ها در برابر آمریکا ایستاده بودند. آمریکا در سال ۲۰۰۴ می‌خواست ایران را از شورای حکام به شورای امنیت ببرد، اما اروپایی‌ها همکاری ایران را می‌خواستند و حتی می‌خواستند پرونده ایران را در شورای حکام ببندند و بنابراین دو گرایش معتبر وجود داشت، و تا زمانی که ما با اروپا کار می‌کردیم و در آن‌سو هم آمریکا در برابر اروپا قرار داشت، یعنی دوره اول بوش پسر، آمریکایی‌ها متوجه شدند که نمی‌توانند بدون اروپا در صحنه جهانی کاری انجام دهند.

وی گفت: متأسفانه، ایران در دوره‌های مختلف پلی شد برای ایجاد همراهی بین اروپا و آمریکا؛ حتی در قطعنامه ۵۹۸، در اوج جنگ سرد، این پل را ایجاد کردیم. در قضیه هسته‌ای در سال ۲۰۰۳، این پل را ایجاد کردیم.

ظریف افزود: از سال ۲۰۱۷ و دوره اول آقای ترامپ، دوباره دیدیم اروپایی‌ها در مقابل آمریکایی‌ها در شورای امنیت، ایستادند و شکست خوردند؛ در مجمع عمومی، شکست ۱۱۰ به ۱۰. یعنی سیاست ما خوب بود، نه‌فقط به این معنا که سیاست‌گذاری‌مان خوب بود، بلکه توانسته بودیم بفهمیم اروپایی‌ها چه مزیت نسبی دارند. گرچه اینکه از اروپا توقع داشته باشیم اینستکس راه بیندازد، اشتباه بود، چرا که چنین چیزی برای آنها تعریف‌نشده بود. ما از کشورها می‌خواهیم در حوزه‌ای رقابت کنند که اصلاً برای خود در آن حوزه رقابتی تعریف نکرده‌اند. آمریکا حوزه اقتصاد را تعریف نکرده، امنیت را هم تعریف نکرده است.

سؤالی که باید از آقای ظریف پرسید، این است که چرا مسائل را دیر و هنگامی که کار از کار گذشت، متوجه می‌شود؟! او امروز فهمیده آمریکا هژمونی ندارد اما در آغاز مذاکرات برجامی ادعا کرد آمریکا می‌تواند با یک بمب تمام توان دفاعی ما را نابود کند(!) و بدین‌ترتیب تیر خ